

برای معلمی بزرگ

در بزرگداشت
مرحوم استاد دکتر عزیزالله بیات



لطف‌الله آجنادنی

- دو هفته پیش بود که خبر رسید استاد نامدار تاریخ ایران دکتر عزیزالله بیات دار فانی را وداع گفته است. بدون شک فقدان او اندوهی بزرگ در دل جامعه علمی و فرهنگی کشور بالاخص تاریخ‌نگاران ایرانی باقی گذاشت و جای خالی او این روزها احساس می‌شود.

■ ■ ■

می‌توان دست نداشت، اما با سرخوشی زندگی کرد. می‌توان یا نداشت، اما بی‌غم راه رفتن، آرام روزهای زندگی را گذراند. اما بی‌اعتماد مردم هرگز نمی‌توان زیست. در سال‌های ۷۶ و ۸۱ دو نظرسنجی درباره میزان اعتماد مردم به صاحبان ۱۸ حرفه از مشاغل اجتماعی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام گرفت و در هر دو دوره، معلمان در صف نخست ایستادند. یک معلم هرگز نمی‌میرد. او در وجود دیگران زاده می‌شود و در طول تاریخ، زندگی‌اش را در چهرگانی دیگر تکرار می‌کند، اما همواره یک نام دارد: معلم و این تکرار تا پایان حیات زمین، تا آنگاه که فردی برای آموختن وجود دارد امتداد خواهد یافت و دکتر عزیزالله بیات از این جمله است. چهره آن پیرمرد سپیدمو که پشت میز کارش در گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی جا خوش کرده، تصویر آشنایی برای هزاران دانش آموخته رشته تاریخ است که هیچ‌گاه محو نخواهد شد. چقدر ساده بود و کوتاه: دکتر عزیزالله بیات، از پیشکسوتان و استادان برجسته تاریخ کشور درگذشت. پیر تاریخ ما که همچون جوانان چندین دهه هر روز سبززنده در کلاس درس و بحث حاضر می‌شد و با عشق درس می‌داد، در حالی درگذشت که همیشه تشنه دانستن بیشتر و دنبال آموختن بود.

دانش بسیار استاد بیات و عطش سیراب‌نشدن‌اش برای یادگرفتن و یاد دادن کم ماندن بود و ماندنی. او را به راستی می‌توان و باید از حلقه‌های کم نظیر علمی بزرگانی چون دکتر زرین کوب، دکتر زریاب خونی، دکتر باستانی پاریزی و عباس اقبال به شمار آورد که چندین دهه در کنار بزرگانی چون دکتر رضا شعبانی، دکتر علی اصغر مصدق، دکتر علی یگدلی و دکتر الهیار



خلعتبری در دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه‌های دیگر چراغِ پر فروغی بود که تا تاریخ و تاریخ‌دانی زنده است، زنده خواهد بود.

دکتر بیات را در سال‌های تحصیل خود در کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه شهید بهشتی تجربه کرده‌ام؛ تجربه‌ای شیرین با خاطراتی ماندنی. او تنها خالق آثار متعدد و ارزشمندی در حوزه تاریخ‌نگاری تاریخ ایران بعد از اسلام و منابع‌شناسی تاریخی نبوده بلکه خالق ارزش‌های اخلاق معلمی و معلم اخلاقی بود که علم و اخلاق را با هم داشت. بیات گام‌های استوار و خستگی‌ناپذیر شوق والای یادگیری و یاد دادن بود. او معدنی از دانستن تاریخ و چراغِ پر فروغی در راه شناخت تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران بود. دانش عمیق و فراخ او به دور از تنگ‌نظری‌ها و جزمیت‌های فکری و لبخند همیشگی‌اش در چهره، سیمای ممتازی به استاد بیات‌بخشید.

حضورش در میان همکاران و دانشجویان گرم بود و شوق‌برانگیز. نکته‌دان بود و نکته‌سنج. در زرفای تاریخ حضوری نیرومند داشت و پرثمر. در کارهای علمی بیش از آنکه ادعا کند عمل می‌کرد، به راستی که او شیرآهن‌کوه مردی دو مایه افتخار مراکز دانشگاهی و مجامع علمی. تسلط او بر متون تاریخی کم مانند بود و تبحرش در راهبایی به طرایف تاریخی مثال‌زدنی. پیرمرد، خستگی نمی‌شناخت و در راه دانش از پای نمی‌نشست، مگر آنگاه که مرگ جسمانی را ناگزیر پیش روی خود یافت. همه کسانی که دکتر بیات را می‌شناسند و او را از نزدیک تجربه کرده‌اند گستره پهن دانش و اخلاق معلمی‌اش از دیدگاه آنان دور نمانده است. او دایره‌المعارف بزرگی از گنجینه‌دانش تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران بود که گرچه دیگر در میان جامعه دانشگاهی و علمی نیست اما میراث گرانبه‌ای او در عرصه تاریخ‌نگاری، همچنان و تا همیشه باقی خواهد ماند.

■ نگارش کتاب ۲۵ سال در ایران چه گذشت (از بازگان تا خاتمی) را از چه زمانی آغاز کردید؟

نگارش جلد اول این مجموعه که مربوط به دوران دولت موقت می‌شود از نیمه دوم دهه ۷۰ در ذهنم جرقه زد و با دیدن برخی مسایل شروع به نوشتن تاریخ انقلاب کردم و با استفاده از منابع و مآخذی که در اختیار داشتم در سال ۱۳۸۰ تدوین جلد اول این مجموعه را به پایان رساندم. مردد بودم که این جلد را به چاپ برسانم یا نه زیرا فکر نمی‌کردم این کتاب روزی بر دل‌ها بنشیند و مردم تاریخ دوست و اهالی مطالعه از آن به این صورت استقبال کنند.

■ آیا یادداشت‌های روزانه‌ای هم از قبل داشتید که در نوشتن کتاب از آنها استفاده کنید؟ از چه زمانی یادداشت روزانه برداشتید و برای چه منظوری؟ منظورم این است که شما از ابتدا چنین هدفی داشتید؟

من یادداشت‌های روزانه‌ای از سال ۵۶ به طور موجز و مختصر از نشریات برمی‌داشتم ولی فقط از آنها در مورد انطباق با منابع و مآخذی که در تدوین این مجموعه به کار می‌بردم استفاده می‌کردم و در واقع بیشتر منابع و مآخذی را که برای نگارش کتاب‌ها از آنها مدد می‌گرفتم با مشاهدات خود منطبق می‌کردم و بی‌طرفانه وبدون تعصب جناحی، سیاسی و گروهی مطالب را به رشته تحریر درمی‌آوردم و بیشتر منظور من از تدوین این مجموعه شناساندن دوران انقلاب و بعد از انقلاب به قشر جوان، روشنفکر و مطالعه‌گر بود و می‌خواستم به این صورت یک مجموعه‌مدون از تاریخ سیاسی بعد از انقلاب را برای اولین بار به دور از گرایش‌های سیاسی و جناحی به رشته تحریر درآورم. زیرا! بیشترین کتاب‌های تاریخی را که مطالعه کرده بودم می‌دیدم که معمولا تحلیلمان تاریخ سیاسی از یک خائن، خادم می‌سازند و از یک خادم، خائن می‌پرورند و حتی بعضی از تاریخ‌پردازان و وقایع نگاران سعی دارند آنچه محافل قدرت می‌خواهند از تاریخ یک مرز و بوم جلوه دهند تا از این طریق به مال و مکتن و به پست و مقامی برسند و فراموش کرده‌اند که با این کار فرهنگ مردمی را در سراسیم افول، سستی و زردون قرار می‌دهند.

■ شما کتاب‌های بیشتری به غیر از ۲۵ سال در ایران چه گذشت، دقیقا چه عاملی سبب شده است که به نوشتن تاریخ خصوصا تاریخ انقلاب روی بیاورید؟

در واقع باید کلمه عوامل را به کاربرد. زیرا در این زمینه عوامل زیادی دخالت داشتند که می‌توان آنها را به چند دسته تقسیم کرد:

الف – عوامل تاریخی، می‌توان آنها را در موارد زیر خلاصه کرد که باعث شد من تحت تاثیر آنها قرار گرفته و برای اینکه تاریخ معاصر مسخ نشود که جوانان تمام‌نسل‌ها به‌خصوص نسل سوم با تاریخ انقلاب و بعد از انقلاب آشنا شوند دست به این کار پردردسر بزنم.

۱- مقاله استعمار سرخ و سیاه در روزنامه اطلاعات مورخ ۱۷/۱۰/۵۶

- راهپیمایی تساعوا و عاشورا در دوران انقلاب
- کنفرانس گوادالوپ در دی ماه ۵۷ و عدم حمایت چهار کشور اروپایی و آمریکایی از شاه و فرار شاه در ۲۶ دی ماه ۵۷
- نخست‌وزیری شاپور بختیار و ایده اصلاحات از جانب او
- معرفی شورای انقلاب
- نخست‌وزیری مهندس مهدی بازرگان
- بی‌طرفی ارتش در ۲۲ بهمن ۵۷
- پیروزی انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن ۵۷ که این پیروزی خود مسببات و عواملی بیش از ۱۵ مورد را دربرمی گیرد
- فراتردوم نوع حکومت در فروردین ۵۸
- تدوین قانون اساسی، چالش‌ها و تنش‌ها در مورد تدوین و تنظیم آن در مجلس خبرگان رهبری
- تنازعات و تنش‌ها و چالش‌های مهندس بازرگان با نهادهای متعدد که سعی می‌کردند حاکمیت خود را به اثبات برسانند.
- تسخیر سفارت آمریکا در آبان ماه ۵۸ و استعفای مهندس بازرگان در همان ماه
- تنش و چالش بنی‌صدر با مخالفان خود در مورد انتخاب نخست‌وزیر و همچنین انتخاب او به عنوان رییس جمهور خود مسایلی پویسیده و پشت پرده‌ای را دربردارد

- تهاجم رژیم عراق به ایران در شهریورماه ۵۹
- بسته‌شدن دانشگاه‌ها و انقلاب فرهنگی که دو سال و نیم دانشگاه‌ها بسته بودند تا دانشگاه اسلامی تاسیس و برنامه‌ریزی شود.
- عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا و طرح عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر در مجلس و فرار او از ایران
- حادثه ۳۰ خرداد ۶۰
- دوران ریاست‌جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای و نخست‌وزیری موسوی
- توسعه اقتصادی آقای هاشمی‌رفسنجانی و عدم توجه به توسعه سیاسی
- نامه ۹۰ امضای به آقای هاشمی‌رفسنجانی که در نتیجه ۲۳ نفر از افراد ملی و مذهبی و نهضت آزادی راهی زندان شدند.

اینها برخی از عواملی بود که جنبه تاریخی داشت و باعث تحریک و تشویق من به نوشتن این مجموعه شد.
ب – با مطالعه و بررسی مقالات و کتاب‌هایی که جسته و گریخته درباره انقلاب اسلامی نوشته شده بود به این مساله واقف شدم که متاسفانه این مطالب و نوشتارها نمی‌تواند جوانان تحصیلکرده و کتابخوان و واقف به امور سیاسی، تاریخی و اجتماعی را اشباع کند و یک تاریخ سیاسی خالی از گرایش‌های سیاسی و جامع و کامل را به آنان عرضه کند به همین سبب، فکر خود را بر این مساله معطوف کردم که دست به تدوین تاریخی بزنم که یک مرجع بالرمعارض در سطح جامعه و فرهنگ ایران کنونی باشد و موشکافانه به تمام جوانب یک انقلاب مردمی بپردازم و وضعیت انقلاب و سیر تکوینی و نتایج آن را بیان کنم متاسفانه بعضی از کسانی که به مسایل تاریخی می‌پردازند و تاریخ و رویدادهای آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند، وابستگی گروهی و جناحی و حزبی دارند یا به قدرت وابسته‌اند و نمی‌توانند واقعیت‌های تاریخی و سیاسی را بدون غرض بیان کنند و اینچنین است که تاریخ

تاریخ

گفت‌وگو با داوود علی‌بابایی

مولف «۲۵ سال در ایران چه گذشت»

رنج‌های تاریخ نگاری

گروه تاریخ: داوود علی بابایی یک نویسنده مستقل است. کسی که اساسی‌ترین دغدغه‌اش تاریخ، خصوصا تاریخ معاصر ایران است. تا به حال از او کتاب‌های زیادی منتشر شده‌اما مهم‌ترین و شاید اثرگذارترین کتابش مجموعه‌ای است با عنوان «۲۵ سال در ایران چه گذشت» که مربوط به بازخوانی تاریخ انقلاب اسلامی از کمی قبل‌تر از پیروزی انقلاب به این سو است. تاکنون ۱۰

من به عنوان یک نویسنده در بحران عجیب تدوین گیر کرده بودم که کدام مطلب را رجحیت بیشتری دارد تا در آن مجموعه بگنجانم که مبتلا به افراد علاقه‌مند به مسایل تاریخی و انقلاب اسلامی باشند به همین جهت هر یک از این کتاب‌ها چندین بار مورد بررسی و تدوین قرار گرفت در آخر نیز نتوانستم مجموعه‌ای به جامعه عرضه کنم که باب طبع فکریم باشد. گرچه افرادی که این مجموعه را خوانده‌اند آن را یک مجموعه کامل دانسته‌اند ولی باید در این مورد جهان‌بینی افراد را مدنظر قرار داد مخصوصا در مورد مسایل سیاسی و تاریخی. مشکلات بسیار زیاد دیگری هم اعم از حذف برخی مطالب و عکس‌ها آن هم با زمان طولانی بررسی کتاب وجود داشت.

■ **کتاب‌های مختلفی درباره تاریخ انقلاب منتشر شده است. در مورد آنها چه نظری دارید؟**

خوب‌شخته‌اند کتاب‌های متعددی درباره انقلاب اسلامی ایران به چاپ رسیده است، ولی بیشتر در این کتاب‌ها به وضعیت انقلابی تا تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۵۸، روز استغای دولت موقت مهندس مهدی بازرگان پرداخته شده است و به ندرت می‌توان مقالهای در مورد دولت‌های بعد از انقلاب در این کتاب‌ها یافت. حالا نمی‌دانم چرا علاقه‌مندان به مسایل تاریخی و اساتید تاریخ به این مساله نپرداخته‌اند. اما در مجموع می‌توان کتاب‌های خوبی را که مستند هستند و دوران ۱۳ ماهه وضعیت انقلابی را مورد بررسی قرار داده‌اند در نظر گرفت. کتاب تاریخ ۲۵ ساله ایران نوشته سرهنگ غلامرضا جناحی شاید از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که واقعا من را تحت تاثیر قرار داد و نیز کتاب‌هایی مانند (درون انقلاب ایران) جان دی استمیل و (خاطرات هابیز) و (خاطرات ژنرال) نوشته تیمسار قربانغی و کتاب (مثل برف آب خواهیم شد) و کتاب (شکل‌گیری انقلاب اسلامی) نوشته محسن میثایی، کتاب‌های (تولد یک انقلاب) و (بررسی انقلاب اسلامی) نوشته عمادالدین باقی و (سقوط شاه) و کتاب (۲۷۵ روز) نوشته مسعود بهنود کتاب‌هایی هستند که می‌توانیم به آنها اعتنا کنیم و منابع نسبتا خوبی برای مطالعه هستند. ولی در مجموع درباره انقلاب اسلامی و دولت‌های بعد از آن کتاب‌های منسجمی به چاپ نرسیده است. باید متذکر شویم که کتاب (آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها) نوشته ابراهیم یزدی نیز منبع خوبی برای بررسی، مطالعه و تحقیق است.

■ **پس با این وجود کتاب شما – ۲۵ سال... – پس از بررسی منابع گوناگونی تالیف شده است. شما بیشتر در این مجموعه چه مطالبی را مطرح کرده‌اید؟**

اولین جلد ۲۵ سال در ایران چه گذشت؟ (از بازگان تا خاتمی) برای اولین بار در سال ۱۳۸۱ منتشر شد که ناشر آن نیز انتشارات امید فردا بود. این کتاب به بررسی حوادث و تحولات تاریخی ایران از ۱۹دی ۱۳۵۶ تا ۱۵ بهمن۱۳۵۸ می‌پردازد و عنوانیـس آن عبارت از (انقلاب اسلامی چگونه آغاز شد؟)، (نخست‌وزیری آموزگار)، (نخست‌وزیری شریف امامی)، (نخست‌وزیری اژه‌اری)، (نخست‌وزیری بختیار) و (نخست‌وزیری بازرگان) بود. من در این کتاب آغاز انقلاب را از زمان انتشار مقاله احمد رشیدی‌مطلق روزنامه اطلاعات دانستم و در صفحه اول جلد نوشته‌ام: «عصر روز ۱۷دی سال ۱۳۵۶ در روزنامه اطلاعات مقالهای تحت عنوان ایران و استعمار سرخ و



جلد از این مجموعه منتشر شده و علی‌بابایی امیدوار است بتواند کار انتشار این مجموعه را ادامه دهد هر چند که خودش می‌گوید در این راه با مشکلات سخت‌افزاری و نرم افزاری متعددی روبه‌روست. آنچه می‌خوانید بخش‌هایی از گفت‌وگوی مفصل با اوست. گروه تاریخ روزنامه شرق بنا دارد از این پس توجهی بیش از پیش به تاریخ نگاران و کتب تاریخی داشته باشد.

سیاه به قلم احمد رشیدی‌مطلق انتشار یافت که در آن امام خمینی(ره) به شدت مورد حمله و اهانت قرار گرفته بود.» آخرین مسالهای هم که در جلد اول این مجموعه مورد بررسی قرار گرفته مصاحبه حسنین هیکل با امام خمینی(ره) است. پس از این، هفت جلد دیگر از این مجموعه نیز به چاپ رسید که در هر یک از آنها تحولات و حوادث خاص آن دوره مورد بررسی قرار گرفت. جلد هشتم این مجموعه نیز از ۱۷ مهر ۱۳۶۱ آغاز می‌شود که به بررسی نظرات بهزاد نبوی در مورد مسایل مختلف پرداخته و سپس سخنرانی علی‌اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه ایران را در اجلاس سی و هفتم سازمان ملل منعکس می‌کند. آخرین مساله هم مربوط به رهبری و قائم مقامی آن است که به سال ۶۲ تا ۶۳ می‌رسد. اما جلد نهم این مجموعه موفق به اخذ مجوز نشد از این رو جلد هشتم به حوادث کشور تا اواسط سال ۱۳۶۲ می‌پردازد و جلد نهم که مجوز انتشار نگرفته است به حوادث نیمه دوم سال ۱۳۶۲ می‌پردازد. آخرین جلد از این مجموعه که به چاپ رسیده جلد دهم است که از هفتم فروردین ۱۳۶۳ آغاز می‌شود و در مورد سعید رجایی‌خراسانی نماینده دایم ایران در سازمان ملل در واکنش به هیات کارشناسان سازمان ملل در مورد جنگ ایران و عراق است، این جلد به بررسی حوادث کشور از هفتم فروردین ۶۳ تا بهمن ۶۳ می‌پردازد. جلد دهم آخرین جلد از مجموعه کتاب‌های (۲۵ سال در ایران چه گذشت؟) است و جلد نهم حوادث نیمه اول. این مجموعه بی‌هیچ تعریفی

می‌تواند به عنوان مهم‌ترین منبع پیگیری حوادث ایران از انقلاب به این سو مطرح شود. اما با این تفاوت که اطلاعات حاوی آن اغلب از روزنامه‌ها و مجلات و کتاب‌ها بیرون کشیده شده است، نه از اسناد سری و محرمانه. از این رو می‌توان کتاب را لائق در برشمردن حوادث و کمیت آنها مرجعی بی‌بدیل بشرد. در هر حال می‌خواهم بگویم نمونه چنین کاری تاکنون صورت نگرفته است. اگر این مجموعه کامل شود می‌توان مرجعی در اختیار داشت که به تمام حوادث و مهم‌تر از آن به تمام اظهارنظرها و مواضع کارگزاران رسمی نظام در طول ۳۰ سال گذشته اشاره کرده است و باید با تکمیل اطلاعات به بارورتر شدن این مجموعه در چاپ بعدی کمک کرد. اهمیت این مجموعه در این است که حتی بسیاری از کارگزاران رسمی شاید با نگاهی به آن عملکرد و سخنان گذشته خود را که فراموش کرده‌اند، دوباره به یاد آورند. نکته دیگری که تقریبا همه آنها چه از نظر مواضع سیاسی و اقتصادی و چه از نظر سمت‌گیری در جای دیگری قرار دارند.

■ **آقای علی بابایی به نظر خودتان شما در این مجموعه حقایق را برای مردم گفته‌اید؟**

روزی ناصرالدین‌شاه قاجار از مهدیقلی خان هدایت خواست تا برای او دوران سلطنت او تاریخی بنویسد. مهدیقلی به شاه گفت: من نمی‌توانم یک تاریخ بنویسم بلکه من سه نوع تاریخ می‌نویسم یکی برای خاطر قبیله عالم می‌نویسم که خوشایند شاه باشد و مرا مورد لطف و عنایت قرار داده صله و هدیه‌ای به من بدهد. یکی برای مردم کوچه و بازار می‌نویسم که آنان به طور سطحی و عوامانه خوش‌شان بیاید و یکی برای خودم می‌نویسم و در آن حقایق را می‌آورم و برای خودم نگه می‌دارم. اما من فقط حقایق را می‌آورم چه برای کارگزاران چه برای مردم و چه برای خودم، البته در حد مقدرات و مقدورات. من کوشش کرده‌ام در این مجموعه مطالبی را بیان کنم که آنها را با چند سند مطابقت داده یا به چشم خود دیده‌ام و آن دوران، خود آنها را درک کرده‌ام. من می‌خواهم مطالب و نکاتی را به مردم بگویم که تاکنون به ندرت آنها را خوانده‌اند یا مشاهده کرده‌اند و می‌خواهم چیزها و اتفاقاتی را برای آنها نقل کنم که عقالی باشد و مردم آن را دور از ذهن تصور نکنند البته شما بدانید که من این کتاب‌ها را برای کسانی تدوین کرده‌ام که تحمل درک آنها را داشته باشندند و دور از تعصب باشند و متاسفانه نمی‌توان این نوع مطالب و نکات را برای مردم عوام عرضه کرد، زیرا آنها تحمل خواندن آنها را ندارند و یک نوع تعصب در آنها حاکم است اما گروه تحصیلکرده‌و مطالعه‌کننده‌وروشنفکر که در پی یافتن حقایق هستند ظرفیت شنیدن و خواندن این مطالب را دارند.

تصویر ایران از اسطوره تا واقعیت

جواد لگزبان

■ از هنگام آشنایی غرب با ایران بیست و چند قرن گذشته است اما هنوز تصویر ایران در ذهن غربی‌ها همچنان اسرارآمیز است. روابانی با انگیزه‌های گوناگون، تصویرهایی متفلوت از ایران به اتاق اندیشه خود آویخته‌اند: از سرزمینی با زیبایی و لذات افسانه‌ای با مردمانی میهمان‌نواز که پارسی‌های آسیا لقب یافته‌اند گرفته تا کشوری گرم و خشک با پادشاهانی خونریز و درباری دلقک‌مآب و مردمی تبل و قسی‌القلب که مصیبت بر آن می‌بارد.

البویه بونرو در کتاب «از تصویر تا اسطوره – ایران در ادبیات و اندیشه فرانسوی قرن هجدهم» با بررسی تصویر ایران در ادبیات و اندیشه فرانسوی قرن هجدهم در انبوه مکاتبات، سفرنامه‌ها و توصیفات کتاب‌های گوناگون، ایران را کشوری می‌بیند که در این قرن در حال ساختن تصویر خویش است.

بونرو تصاویر کارت‌پستالی یک زندگی سبکیال همیشه عاشقانه درباری آمیخته با آداب و رسوم ایرانی را دلمشغولی‌هایی می‌داند خاص سفرنامه‌ها، که البته خوانندگان آن بین دیربازی و شیفتگی در نوساندن و خود بی‌عتنا به این اسطوره‌پرداز‌های ایران را کانون ارزش‌هایی اصیل توصیف می‌کند که دستیابی به آن فقط بر اساس تحقیقات علمی و انسانی از واقعیات تجربی امکان‌پذیر است و این مسیر را در پیش می‌گیرد. او از پژوهشگران می‌خواهد با پی‌بردن به ناشناخته‌ها و درک قانونمندی حاکم بر رفتاری که در نظر آنان عجیب می‌نماید، با گام زدن در مسیر تفاهم به شناخت بهتری از ایران دست یابند و در این راه مطالعه دقیق هزار و یک شب، گلستان سعدی و زند اوستا را توصیه می‌کند. از نظر بونرو، تصویرهای ساخته‌شده از ایران مخوف در مکاتبات مبشران ناکام کلیسا تاریک‌اندیشانه و حاکی از عدم سعه‌مدیر این مبلغان متعصب است. او با لحنی صریح در رد این تعصب خام می‌نویسد: توجه انسانی به ایران و اعتماد به آنان برای برقراری ارتباطات مفید و مستمر با احترام متقابل مذاهب و بهیچ‌وجه کار اربابان کلیسا نیست بلکه کار اروپاییانی است که در ایران مستقر شدند مانند جواهرفرشان، بزشکان، بازرگانان و به‌خصوص سیاحان آگاه.



ایرانیان را نسبت به «فرنگی‌ها» عوزی می‌کنند. این مسیحیان آزادانه میزان ایرانیان زندگی می‌کنند و کارهای سودبخش‌شان موجب تقویت روابط ایران و اروپا می‌شود و در این راستاست که تصاویر سفرنامه شاردن شکل می‌گیرد و آشکارا نشان می‌دهد که تمدن و منفعت‌طلبی با یکدیگر آشتی‌پذیرند.

به بیان مهربان بونرو، ترس از ایران و ایرانی امری طبیعی نیست. او معتقدست اولین احساس برتری در اروپایی‌ها الزاما ایجاب می‌کند که خود را روی زمین یک استثنای بدانند اما فاسفه، مورخان، جغرافیدانان و مردم‌شناسان، اروپایی‌ها را به جای ادعای فرمانروایی به فروتنی دعوت می‌کنند و به درست‌اندیشیدن در ارتباط با «غیر» فرامی‌خوانند.

در این پوشش فلسفی است که به گمان بونرو، اروپایی‌ها می‌توانند تصورات خیالی را از ذهن خود پاک کنند و به توان و قدرت واقعی خوشتن پی‌برند و دریابند که کسب خوشبختی موضوعی صرفا فرعی نیست بلکه موضوع مهم و مورد نظر ایرانیان نیز هست. گفت‌های فیلسوفان، شاعران، هنرمندان و پزشکان ایرانی معطوف به هدفی دوردست است اما هدفی که پیوسته آرزو می‌شود: پیوند فرخنده میان تلاش و آرامش. در یک مکاشفه شایسته تأمل، بونرو توبه سندنبد در هزارویک شب را مهم دانسته و می‌گوید که این بازگشت نمادین پیوسته تفکر و روایضای قرن هجدهم را که در بی شناخت ماجراهای انسانی، کسب ثروت و عقل است، تقدیه می‌کند. در اندیشه بونرو از کشیش بل و بولسن ویلر تا ژوکور و ولستر و دبیدرو، تحقیق درباره ایران نقش آزاداندیشان و فلاسفه بین دو قرن را گسترش داده است و البته بهترین سلاح علیه تاریک‌اندیشی معرفی شده‌است دررخشان «روشنگران» ایران به همت آنان است. شناخت شخصیت‌های حقیقت‌جوی فرهنگ ایرانی فراخوان بونرو در این کتاب است. از نگاه بونرو دو چهره معروف‌تر این شخصیت‌های ایرانی شه‌هرزاد و زردشت بوده‌اند که اولی در آغاز و دومی در اواخر قرن هجدهم خود را از دیگران متمایز می‌کنند. قه‌صه‌های شه‌هراد در جنال با امر همایونی که استمرار زندگی را به همراه دارد، تحسین بونرو را برمی‌انگیزد.

ادامه در صفحه ۱۲